

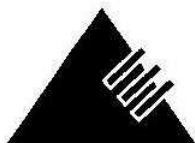
کوروش کبیر

اثر

هارلد آلبرت لمب

گردآوری و ترجمه

صادق رضا زاده شفق



انتشارات آرمان خرد

سرشناسه : لمب ، هرولد ، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲ م .

عنوان و نام پدید آور : کوروش / گردآوری و ترجمه : صادق رضا زاده شفق .

مشخصات نشر : مشهد - آرمان خرد - ۹۶

مشخصات ظاهری : ۳۸۴ ص

شابک ۹۷۸-۶۰۰۵۵۸۴-۴۴-۸

وضعیت فهرست نویسی : اطلاعات فیبا

یادداشت : عنوان اصلی

یادداشت : کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است .

موضوع : کوروش هخامنشی ، شاه ایران ، ۵۲۹ ق.م - سرگذشتنامه

موضوع : کوروش هخامنشی ، شاه ایران ، ۵۲۹ ق.م - جنگ ها

موضوع : ایران - تاریخ - هخامنشیان ، ۵۵۸ - ۵۲۹ ق.م

شناسه افزوده : رضا زاده شفق ، صادق ، ۱۲۷۴ - ۱۳۵۰ ، مترجم

رده بندی کنگره : ب ۱۸۹ / ۲۳۶

رده بندی دیویی : ۵۵/۰۱۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۶۳۵۰۹

انتشارات آرمان خرد

نام کتاب : کوروش

گردآورنده و ترجمه : صادق رضا زاده شفق

نوبت چاپ : اول ۹۶

چاپخانه : کیان

شمارگان : ۵۰۰

تعداد صفحه : ۳۸۴ ص - وزیری

شابک : ۹۷۸-۶۰۰۵۵۸۴-۴۴-۸

قیمت : ۲۰/۰۰۰ تومان

آدرس : مشهد - خیابان جنت - پاساژ جنت - واحد ۱۵

تلفن تماس : ۳۲۲۳۳۳۰۲ همراه ۰۹۱۵۵۰۱۷۶۰۸

فهرست مندرجات

۷	دیباچه مترجم
۱۳	دیباچه
۱۷	یادداشت مؤلف
۲۱	یادداشت مترجم
۲۵	بخش اول: نشیمن درکستان
۲۷	بچه‌های دروازه
۳۶	پرتاب یک تیر
۴۹	پیشگویی مغان
۵۴	شهر مرگ
۶۳	سرود غارت نینوا
۷۰	رحم الهه بزرگ
۷۸	کوروش از برج عبور می‌کند
۲۵	بخش دوم: سوگند کوروش
۸۷	مسیر آریایی‌ها
۹۳	سرزمین گود
۹۸	پشم زرین وارتان
۱۰۲	قبر سکایی
۱۱۲	کوروش به پاسارگاد عزیمت می‌کند
۱۱۵	فرمانی از طرف ازدهاک
۱۲۲	انتقام هارپیک فرمانده سپاه

- ۱۳۲ سوگند در تالار مادها
 ۱۴۳ بخش سوم: گنج کروزوس
 ۱۴۵ پیشگویی کاهن دلفی
 ۱۴۹ الهام گوبارو
 ۱۵۸ کلاه خودی که در ساردیس فرود افتاد
 ۱۶۸ کوروش با اسپارتی ها روبرو می شود
 ۱۷۵ حکمای لطیفه
 ۱۸۰ هارپیک سه ساله یونیا
 ۱۸۷ ظهور تورات بزرگ
 ۱۹۲ آشفته گی کوروش
 ۲۰۱ بخش چهارم: در آتش باختر
 ۲۰۳ کاوی ویشناسپه
 ۲۱۱ کوروش راه زرتشت را پیش می گیرد
 ۲۱۴ بلایی که در مهمانی رو آورد
 ۲۲۰ هیبت ریگزار سرخ
 ۲۲۸ توسعه خط های مرزی
 ۲۳۲ خطر قلعه ها
 ۲۳۶ جایی که زرتشت حکومت می کرد
 ۲۴۳ قضاوت کوروش درباره باختریان
 ۲۵۳ بخش پنجم: بابل سقوط می کند
 ۲۵۵ منظره شهر
 ۲۶۲ برای یعقوب اقیبی چه پیش آمد کرد
 ۲۷۲ آنچه نبوید پنهان می داشت
 ۲۷۸ زندان خدایان
 ۲۸۵ نظر کرده مردوک
 ۲۹۱ دروازه نامرئی
 ۲۹۸ قضاوت کوروش

۳۰۴	«من مردم را گرد هم آوردم»
۳۰۹	مراجعت مردان سرودخوان
۳۱۳	بخش ششم: دعوت مغ
۳۱۵	جاده‌ها به سوی دریا می‌رود
۳۲۸	تاریخ خاموش است
۳۳۶	«هر نوع خدایان دیگر که باشند»
۳۴۰	جنگ ر جلگه‌ها
۳۴۷	بخش هفتم: پایانه دار
۳۴۹	دولت جهانی
۳۵۵	کوروش و داریوش
۳۵۷	دین هخامنشیان
۳۵۸	راز کشورگشایی ایران
۳۶۱	روبرو شدن ایرانی با یونانی
۳۶۳	نیاکان ما و خاور و باختر
۳۶۶	راز پاسارگاد
۳۷۱	راز ابتکار
۳۷۵	کوروش و اسکندر
۳۷۸	گواهی گزنفن

دیباچه مترجم

هارولد لامب^۱ مؤلف کتاب حاضر یعنی «کوروش کبیر» که متن انگلیسی آن حدود یک سال پیش (۱۹۶۰ میلادی) در نیویورک انتشار یافت، در میان ایرانیان ناشناس نیست. چندین بار به کشور ما مسافرت کرد و مطالعاتی بجا آورده و در تاریخ و ادب و داستان‌های ایران و بعضی ملل مجاور غور نمود. آثار تاریخی سودمند، به شکل مقالات و کتب در آن موضوع‌ها بوجود آورده است که اکثر آن‌ها از انگلیسی به زبان‌های دیگر از آن جمله به فارسی ترجمه و طبع گشته.

تألیفات معروف او نظیر: عروس ایران، عمر خام، چنگیزخان، تیمورلنگ، جنگ‌های صلیبی، سلیمان فاتح، اسکندر مقدونی (که این کتاب اخیر را اینجانب ترجمه کردم و در بهمن ماه ۱۳۳۵ طبع و نشر شد معروف و مشهور است. سبک مؤلف محترم در تمام این تألیفات، شرح مطالب تاریخ به شکل وصف و داستان است که خواننده آن را خوش آیند و شیرین می‌کند. مسافرت‌های مؤلف در کشورهای مربوط به داستان‌ها، به شرت او با مردم و مطالعات او در باب گذشته و حال آنها، تألیفات او را از لحاظ تاریخی و خواص روحی و اوضاع اجتماعی ملل و اقوام خاور میانه، پس سودمند قرار می‌دهد.

کتاب کوروش کبیر که اینک ترجمه آن تقدیم هم‌میهنان ارجمند می‌شود، تاریخی است رمان مانند یا رمانی است تاریخی؛ گرچه مؤلف محترم در هیچ یک از این دو نوع ادعایی ندارد. متن انگلیسی کتاب چنانکه اشاره شد، به سال ۱۹۶۰ میلادی یعنی قریب یک سال پیش در امریکا انتشار یافت و این انتشار تصادف کرد با تشکیل شورای عالی جشن‌های دو هزار و پانصد ساله ایران و به همین مناسبت برخی از دانشمندان کشور روا دیدند در این موقع که نظرها متوجه به کوروش کبیر، است، شایسته است کتابی که از طرف یکی از دوستان ملت ما

در باب آن پادشاه و ارزش و اهمیت جهاننداری او تألیف یافته به فارسی نقل گردد. خالی از فایده نمیدانم ملاحظاتی در باب سبک و مطالب متن به نظر قارئین کرام برسانم. اولاً هرکس کتاب را به دقت بخواند از تبحر مؤلف در زبان، مخصوصاً تسلط حیرت آور او در لغات و مترادفات انگلیسی واقعاً تعجب می کند و به وسعت لغت شناسی او آفرین می گوید و او را یک قاموس ناطق می پندارد. در عین حال با وجود این لغت شناسی شگفت آور، جمله بندی و عبارات کتاب بسا مبهم و نیمه تمام و در مواردی معروض تعقید و حتی مطالب آن هم گاهی متناظر به نظر آمد و این سبک به قضاوت اینجانب در کتاب «کوروش کبیر» به نسبت بیشتر از سایر تألیفات آقای لمب بکار رفته که شاید تغییر احوال و مرور سن و سال در آن تأثیر داشته است.

دوم آنکه با آن که این کتاب نیز مانند سایر کتاب های مؤلف دانشمند بر مطالعات و تتبعات و تجربیات او استوار است و بنا بر این زمینه روشن پهناوری از تاریخ گذشته ما را در مد نظر خواننده میدارد، باز در سراردش خیال به حقیقت و داستان به تاریخ چیره شده حتی مختصر اشتباهاتی هم روی داده است، که از آنها حتی به حساب داستان هم نمی توان اغماض کرد زیرا با این که داستان می تواند نیروی تخیل را ربسط و تفصیل و تزئین وقایع تاریخی بکار برد از طرف دیگر نمی تواند وقایع یا اشخاص واقعی را تغییر دهد و موجبات سوء تفاهم فراهم آورد. مثلاً مانند انه (مندانه)، لا اقل به قول یکی «ساح یونانی»، مانند گزنفن در کتاب «پرورش کوروش» دختر ازدهاک و دختر بخت النصر را آورده است تمام این خبر تردیدی هم باشد، مسلماً وی دختر بخت النصر نبوده.

همچنین مؤلف (گوبارو) را که به ضبط یونانی (گبریاس) و به ضبط بابلی (اوگبارو) باشد، حکمدار شوشان می داند در صورتی که تواریخ قدیم، او را حکم دار (گوتیوم) می خوانند که ناحیه ای بوده میان رود دیاله و زاب سفلی و دجله. ایضاً (آمیتیش) به موجب روایات یونانی، دختر ازدهاک بوده نه گوبارو.^۱ البته امثله دیگر از این قبیل توان پیدا کرد. در معنی نام ها هم ایشان به حکم این که نظرشان بیشتر به داستان است، زیاد مقید نبوده اند. مثلاً کلمه کوروش را به موجب فرض اصل و ریشه بابلی به معنی «چوپان» گرفته در صورتی که مستشرقین مانند (یوستی) آن را از کلمه (کورو) خور (خورشید) دانسته اند. نیز نام آستیاگ (آستیاژ) را با تبعیت از (المستد) به معنی زوین انداز (آرش تیویگ) گرفته، در صورتی که

یوستی، آن را عین کلمه (ازدهاک) میداند.

نامیدن نقاط جغرافیایی با نام‌های وصفی مانند (دریای گیاه) به جای جلگه‌های شمالی اروپا و (سرزمین گود) به جای دره تفلیس، و (کوه‌های سفید) به جای کوه‌های قفقاز و (کوه بلورین) به جای دماوند و (دریای کبود) بجای دریای سیاه و نظایر آن اگر چه داستان را رنگین تر می‌کند، از طرف دیگر خواننده را سردرگم نگه می‌دارد.

همچنین (امودریا) را «رود دریا» و (سیردریا) را «رودریگزار» ترجمه کرده که معلوم نیست روی چه مأخذی است. در کلمه امودریا، جزء (امو) به اغلب احتمال نام محل است. عرب آن را جدرن نامید و ایرانیان غیر از امودریا (وخشایب) یا (وخشاو) هم مینامیدند که ضبط (Jaxartes) یونانی از همان کلمه فارسی است. سیردریا را عرب سیحون نام داد و ظاهراً نام ایران آن (یخسارت) است که یونانیان به شکل (Jaxartes) ضبط کردند.^۱ نویسندگان و محققان مانند بارتلد، بارنسترنج، مفهوم‌هایی نظیر رود دریا و رود ریگزار به آن دو نام نسبت نداده‌اند و خبری از آن نمی‌یابند.

در باب بعضی نام‌های دیگر مذکور در کتاب نیز می‌توان همین قبیل ملاحظات اظهار نمود. مثلاً (اریگگ) یا (هاریاگوس) به قول بعضی اهل ماد حتی از خاندان شاهی بوده و معلوم نیست چرا مؤلف محترم او را ارمنی دانسته. مادها و ارمنیها با این که هر دو از اقوام ایرانی بوده‌اند، قوم واحد نبوده‌اند.

پس از این چند نکته که به طور نمونه و با رعایت انصاف مذکور افتاد و منظور عمده از آن متوجه ساختن خواننده بود که کلیه اقوال و روایات کتاب را حقایق تاریخی تصور نکند، باید بار دیگر اظهار دارم که این تألیف، من حیث المجموع هرگز بدون کسر و تحقیق نوشته نشده و مخصوصاً در وراء عبارات و روایات آن، ولو گاهی با حقیقت روحی ناهمخوانی و سن‌نیت و مراتب دوستی و محبت مؤلف محترم نسبت به ایران مستتر و این معنی برای هر کسی که آن را به دقت بخواند ظاهر است.

بنابراین «کوروش کبیر» در ردیف داستان‌های تاریخی مربوط به کشور ما، موقع ممتازی خواهد داشت و مطالعه کنندگان دقیق به ارزش آن پی خواهند برد.

ناگفته نماند چون مؤلف محترم در پائیز گذشته بر حسب دعوت به تهران آمد، انتقادات جزئی مذکور را به ایشان اظهار نمودم و ایشان با مهر و تواضع مرا مجاز ساختند آنها را در این

ترجمه گوشزد نمایم. چنان که هر کسی خود می تواند تطبیق نماید. در ترجمه این کتاب، اهتمام به عمل آمده مفهوم عین عبارات بدون تلخیص یا تغییر به سبک فارسی درآید و تا آنجا که امکان دارد، سبک و روش مؤلف محفوظ بماند. در ضمن چنان که در نظر خوانندگان ارجمند مشهود است در مواردی برای توضیح یا تصریح مطالب متن، یادداشت هایی بطور پاورقی ضمیمه گشت که امید است سودمند واقع گردد.

تهران تیرماه ۱۳۴۰ شمسی

دکتر رضا زاده شفق

www.ketab.ir

دیباچه

کوره (پارس) نام معروفی است و در روزگار نیاکان ما شاید متداولترین نام‌های مردانه در آمریکا بوده. این همه این نام در ابتدا از پادشاهی که نسبت به ما ناشناخته بود و در فجر تاریخ جهان زنگی می‌خورد به ما رسیده. با وجود این در پیرامون این نام اقوام مشهوری میان ما هست نظیر: خطه دیور، قوانین مادها و پارسها، مغان، و خردمندان خاور. همچنین مطالب دیگر راجع به فرمانروایان و سایر است مانند ثروت کروزوس، غیگوی دلفوس و برج بابل.^۲

ولی این همه اسراری نیست زیرا تا کنان ما کتاب عهد قدیم را می‌خواندند و کوروش ناشناخته که شاه مادها و پارس‌ها نامیده شده در صفحات آن با اعتنای خاص ذکر شده. یکی از آنها در آغاز کتاب عزرا آمده که گوید «کوروش پادشاه فارس چنین می‌فرماید؛ یهوه خدای آسمانها جمیع ممالک زمین را به من داده و مرا امر فرمود است که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهودیه است بنا نمایم.» در اینجا عبارت «ماکت زمین» تخیل آمیز به نظر می‌رسد ولی در آغاز کتابی دیگر، استر، آن ممالک چنین توصیف شده: «در روزگار اخشورش (این امور واقع شد). این همان اخشورشی است که از هند تا حبشه و عربستان و ریست و هفت ولایت سلطنت می‌کرد.»^۳

-
- ۱- سائرس تلفظ انگلیسی کلمه کوروش است: یونانیها چون مخرج شین ندارند کوروس تلفظ کردند و به تدریج به فرانسوی سیروس و انگلیسی سائرس تلفظ شد.
 - ۲- در باب نوشته بردیواز رجوع کنید به کتاب دانیال در کتاب عهد عتیق (توراة) باب پنجم و در باب مادها و پارس‌ها رجوع شود به کتاب‌های سلاطین و اشیاء و ارمیا و استراژ کتب عهد عتیق؛ در باب خردمندان خاور رجوع شود به کتاب انجیل متی. (بنا به مفسرین عیسوی این خردمندان خاور مغان ایران بوده‌اند).
 - ۳- اخشورش به موجب کتاب استر (عهد عتیق) پادشاه ایران بود که به عقیده بعضی دانشمندان تحریفی است از کلمه اردشیر

این پیامبران فجر تاریخ در باب شخصی که می‌شناختند و در دنیای آن زمان که در نظر آنان بین رود سند و نیل علیا بسط می‌یافت، وجود داشت، حقیقت را می‌گفتند. این شخص یعنی کوروش در میان اسرار تاریخ قدیم خود سر عجیبی است. معمای مردم «هیتی» که وقتی مرموز بود تاحدی معلوم گشته؛ تمدن «مینو»^۱ی^۱ ها که در سواحل دریای بزرگ یعنی مدیترانه وجود داشت تعیین شده و دولت هخامنشی که بعد از کوروش ظهور کرد به تفصیل در وقایع نام‌ها ثبت گردیده ولی شخص کوروش هنوز مرموز است.^۲ از منشاء مجهولی ظهور نمود با این همه اولین دولت جهانی منظم را او پدید آورد.

و این کار را یا آرمان نوینی بوجود آورد که بر فرض هم کمال مطلوب نبوده باشد در هر صورت، بر تاریخ داعوض کرد و جهان باستان و ادوار عهد «اور»^۳ کلدی و فراعنه و آشور و بابل را پایان داد به اینکه ری این کارهای شگرف را چرا و چگونه و با چه منظور انجام داد و چه نوع وسایل در اختیار داشت و برای استفاده از آنها از کی‌ها مدد گرفت و بالاتر از اینها اینکه خود او چگونه آدمی بوده، سخنی که توجیه تاریخی داشته باشد نتوان داد ولی ناچار جوابی هست و برای دریافتن آن تنها یک راه داریم. اولاً می‌توانیم عهد زندگانی او را پژوهش کنیم بدون اینکه به حوادث تاریخی آن رجوع داشته باشیم. و فقط چیزهایی را که در آن زمان وجود داشت در نظر آوریم: از فرش و صندلی‌های عاج و پلکان ساروجی که به آتشکده‌های سنگی هدایت می‌کرد و هیریدان که مذهب آنس بودند. می‌توانیم از آتشکده‌ها برون آییم و به ایلخی اسب‌های ممتاز برویم تا به مریه^۴ برسیم که دور تا دورش به جای حصار سلسله کوه‌ها است. در چنین عملی ممکن است در راه خود تخیل کنیم که در قلمرو کوچک کوروش هستیم و می‌توانیم سراغ سایر اشخاص انجام هم بدهیم. این عهد که بحث از آن می‌کنیم اوایل قرن ششم پیش از میلاد می‌شود که فرعون مصر «نخو»^۵ از سلاله «سای» بود و هفت سال از واژگون شدن اوابه‌های نخو در راه کرکیش^۶ به دست بخت‌النصر

۱- تمدن مینوی (Minoan) به نام حکم‌دار مینوس عبارت است از تمدن بحرالجزایر در هزاره سوم پیش از میلاد؛ و قوم هیتی بین ۲۰۰۰ و ۱۲۰۰ از آسیای صغیر تمدنی داشتند و یکی از مراکز حکومت آنها (بوغازکوی) کنونی بود. نام آنها را ختی هم ضبط کرده‌اند. نژادشان آریایی بود.

۲- گویا منظور مؤلف از مرموز بودن کوروش وجود داستان‌های یونانی و غیر آن است درباره آن پادشاه.

۳- اور (Ur) نام شهر بزرگ قدیم دولت شمر واقع در جنوب بین‌النهرین است که تا قرن ۴ پیش از میلاد وجود داشته.

پادشاه سرزمینها و بابل می‌گذشت. در سرزمین اسرائیل یوشع در محل ارمه‌گدن^۱ به دست همان فرعون مقتول شد. فرمانروای یهودیه با مردم خود به واسطه سرکردگان بخت‌النصر به بابل به اسارت برده شده بودند.

در کوهستان خاوری یعنی سرزمین ماد هوخستر^۲ پادشاهی می‌کرد و آنجا از معرکه بیابان‌های پهناور که مسیر اسیران بود فاصله زیاد داشت.

۱- Armageddon دو کتاب انجیل فارسی باب مکاشفات یوحنا حارمجدون ضبط است که به تلفظ عبری نزدیکتر است.

۲- هوخستر تلفظ ایرانی نام پادشاه ماد است که یونانیان کیاخسارس Cyaxares تلفظ کردند کلمه از سه جزء مرکب است: «هو» به معنی خوب «وخ» به معنی نمود «شتر» به معنی دولت پس مفهوم کلی هوخستر به معنی دولتی که رشد خوب دارد.